

## مرگ بهای حق زندگی



فیروزه فروزانفر - روزنامه نگار

**خانه امن:** قتل‌های ناموسی در استان‌هایی چون خوزستان یا کردستان بیشتر از سایر نقاط ایران روی می‌دهند. برای مقابله با چنین قتل‌هایی، به تازگی برخی فعالان مدنی کرد، کمیته‌ای به اسم "علیه خشونت به نام ناموس" تشکیل داده‌اند. پروین ذبیحی، فعال حقوق زنان و کودکان یکی از اعضای این کمیته است که به تازگی سمیناری در زمینه خشونت خانگی برگزار کرد. وی پیش از این عضو هیئت مدیره انجمن زنان آذرهر، کانون کودکان و همچنین اتحادیه کارگران بی‌کار و اخراجی بوده و با انجمن ادبی میروان نیز همکاری کرده است. با پروین ذبیحی درباره این سمینار و قتل‌های ناموسی در کردستان و ایران به گفت و گو نشستیم.

**اخیرا "کمیته" علیه خشونت به نام ناموس "سمینار خشونت خانوادگی را برگزار کرد هدف و انگیزه برگزار کنندگان چه بود و چه گروه‌های دیگری با شما همکاری داشتند؟**

خشونت علیه زنان پدیده‌ای جهان شمول و تاریخی است که امروزه نیز بطور گسترده بر علیه زنان اعمال می‌شود. سیاه‌ترین و غیر انسانی‌ترین نوع آن کشتن به بهانه ناموس است که معمولاً "در خفا و با همدستی اعضای خانواده انجام می‌گیرد اما به خاطر جامعه پذیری و کسب افتخار و عدم حمایت قانون از قربانی علنی شده و اغلب مجرمین با رضایت خانواده به راحتی آزاد می‌شوند. گاهی همسر شاکمی می‌شود و با گرفتن دیه مقتول رضایتش جلب می‌شود و یا اگر خود قاتل باشد بازهم با پرداخت دیه آزاد می‌شود. در برخی مناطق که سران ایل و عشیره حرف اول را می‌زنند و فراتر از قانون عمل می‌کنند، اگر مردی در این ارتباط کشته شود یک دختر به خانواده مقتول به عنوان تاوان داده می‌شود تا از کشتار طایفه ایی و انتقام جویی جلوگیری گردد و خانواده مقتول هم هر طور بخواهند با آن بیچاره رفتار می‌کنند

قتل زنان به بهانه‌های مختلف و از جمله کشتن به نام ناموس است که در سراسر دنیا و بطور گسترده تر در خاورمیانه صورت می‌گیرد. بر اساس آمار سازمان ملل سالانه در دنیا 5000 زن، بدست مردان نزدیکشان به قتل می‌رسند. در یک پژوهش که سال 1990-2006 توسط روزنامه "اجتماع محلی مهاجران آمریکا" انجام گرفت 115 فقره قتل و قتل‌هایی که خودکشی و انمود شده بودند، 20 مورد اقدام به قتل، 5 نمونه اقدام به خودکشی پس از انجام قتل و نا پدید شدن شک برانگیز حداقل 4 زن گزارش شد که همگی از مهاجرین آسیایی بوده‌اند.

در عراق خانم ساکار احمد در کتاب قربانیان ناموس پرستی آمار مستند 5000 زن کشته و سوخته و سنگسار شده عراقی از سال 1991-2002 را ارائه می‌دهد و در پاکستان و افغانستان آمار ثبت شده حکایت از کشته شدن چهار هزار زن را طی 4 سال دارد. در ایران نیز در بسیاری از مناطق کشور، با این پدیده کثیف روبرو هستیم اما با آماری متفاوت؛ یعنی در شهرهای پیشرفته و صنعتی و با فرهنگی مترقی تر آمار کمتر و در مناطقی که باور و سنت‌های پوسیده و زنگ زده حرف اول را می‌زنند بیشتر است.

در تهران پدری معتاد و توهم زده، دختر 9 ساله اش را با اتهامی واهی به بخاری می‌بندد و خانه را به بنزین به آتش می‌کشد. بطوری که

فرمانده نیروی انتظامی به عنوان فردی که با جنایات زیادی مواجه بوده است آنرا فجیع ترین جنایتی که تا به حال دیده توصیف می کند. در جنوب کشور سر دخترشان را با کارد میوه خوری بریدند و سمیه چهارده ساله به دست پدرش سنگسار می شود. در لرستان گلبهار را به درخت بستند و آتش زدند و در کردستان نیز دلبر هفده ساله و فرشته و شهین را کشتند و سر بریدند تنها به جرم اصرار در تعیین سر نوشت خویش و بدگمانی خانواده.

ابعاد فاجعه بسیار وسیع است و این نوشتار تنها گوشه ای از آن فجایع می باشد. با توجه به محدودیت های موجود و کمبود امکانات کافی تا کنون نتوانسته ایم در سطح وسیعی به بررسی این پدیده بپردازیم و از راه کارهای عملی جهت ریشه کنی این معطل استفا ده کنیم. اما قتل چهار زن میروانی در عرض شش ماه که یکی از آنان در روز 8 مارس ( روز جهانی زن) بود زنگ خطر و انگیزه ای شد تا با همین امکانات محدود ما کنشگران حوزه زنان و فعالین اجتماعی با همکاری انجمن فرهنگی رونان این سمینار را برگزار کنیم .

### از چه افرادی برای سخنرانی دعوت کردید و سخنران ها با چه اولویت های سخنرانانی کردند؟

خانم سمیه رستم پور در ابتدا خلاصه پایان نامه اش را با موضوع ناموس و تعریف آن ، دین و ناموس ، جایگاه دختری و ناموس جایگاه همسری و ناموس، جایگاه مادری و ناموس، آبرو، قوم گرایی و ناموس و مطالبی از این قبیل ارائه دادند که پژوهشی جالب و در خور توجه بود و چون شرح این مباحث قبلا منتشر شده تکرار آن ضرورتی ندارد.

خانم چیمین جوانرودی فعال حقوق زنان و مدد کار بهزیستی نیز در زمینه روانشناسی قتل های ناموسی از جمله ذهنیت مردسالارانه نقش هویت فردی، اختلالات روانی سرکوب غرایز جنسی و آموزش نا درست، مطالبی بیان کردند و در ادامه به این نکته اشاره شد که زنان حساسیت مردان خانواده را نسبت به خود می دانند ولی نمی توانند مانع افکار بیمار گونه پدر و یا برادر و همسری را که دچار سو ظن هستند شوند و از پس این افکار بر آیند و گاه با اندک بهانه و شکی مثلا پیدا شدن یک شماره تلفن در وسایلشان کشته می شوند. در خاتمه به توانایی فعالین و کنشگران در کردستان و همچنین جسارت زنانی که در پی تغییر شرایط خشونت بار زندگیشان هستند و در این راه گاهی جانشان را از دست می دهند اشاره شد.

آقای کامل همتی جامعه شناس نیز در مورد نقش اصلی اقتصاد در تولید و باز تولید خشونت و توزیع نا عادلانه ثروت و باز تاب های اجتماعی- سیاسی - فرهنگی آن در وقوع اینگونه جنایات و سایر اشکال خشونت سخنرانی کرد. من نیز با تعریف واژه شرف و شرافت و کار برد عامیانه و تغییرات ایجاد شده در فرهنگ های مختلف عربی، اروپایی، کردی و معنی ناموس در فرهنگ دهخدا سخنرانی ام را شروع کرده و سخنانم را با تعریفی از خشونت های ناموسی و اشکال مختلف آن از جمله پوشش اجباری، ممانعت از تحصیل، ازدواج های اجباری، ختنه، سنگسار قتل، بریدن بینی برای هتک حرمت و خون بس ادامه دادم.

پس از آن به شرح قتل های ناموسی علل و عوامل موثر در وقوع آن از جمله: ترس از بی آبرویی، نقش حیثیت، شرف و غیرت، مالکیت مرد بر زن و رفتار، اندیشه و بدن و سکس او و نقش بکارت در حفظ و ضمانت اجرایی این تملک مردانه در جوامع طبقاتی و مردسالار پر داختم. و بحثم را با مطالبی در زمینه میزان گستردگی آن در مناطق مختلف و از جمله کردستان با ذکر نمونه های مستند، و فشاری که توسط افراد جامعه بر قاتلان اعمال می شود و همسان شدن آنان با خواست های جامعه تا جایی که پدر قاتل سر بریده دخترش را در دست گرفته و آنرا پر چم افتخارش اعلام می کند ادامه دادم و اینکه هیچ پدر و یا برادری با خواست قلبی خود و بدون فشار جامعه دست به کشتن عزیز خود یعنی فرزندش نمی زند این جنایات با دل خونین و چشم خونبار صورت می گیرد و حتی گزارشاتی از شرایط بد روحی آنان در هنگام دستگیری و از زندان ها می رسد و این پرچم افتخار مجرم نیست بلکه فخر اجتماع اوست. و خود او نیز قربانی روابط و فرهنگ غلط نظام مرد سالاری است.

بعد از بیانات آقای علی دل آویز استاد دانشگاه و از مسئولین و صاحب نظران انجمن رونان سوالاتی از طرف شرکت کنندگان مطرح شد از جمله فرق بین زن کشی و مرد کشی و اینکه آیا خود سوزی قتل محسوب می شود؟ و سخنرانان هر کدام به قسمتی از این پرسش ها جواب دادند .

### کارگاه در دو روز برگزار شد ، کمی درباره روز دوم صحبت کنید و آیا درباره خودسوزی هم مطالبی مطرح شد ؟

بله روز دوم کارگاه درباره چرخه خشونت بود و شرکت کنندگان هر کدام با ذهنیتی که از خشونت داشتند تعاریفی ارائه نمودند . بطور مثال یکی خشونت را در عدم اجازه تحصیل، دیگری در عدم نقش خود در انتخاب مسیر زندگی سومی زور گویی خانواده همسر و برخی دیگر نیز کالایی شدن زنان را خشونت می دانستند بعضی ها چند همسری و خلاصه هر کدام بر مبنای تعاریفشان و به اندازه شناخت و آگا هی خود را همکاری نیز ارائه دادند. و این کارگاه آزاد با نتیجه گیری از نظرات و تعاریف مختلف از خشونت و از جمله خشونت خانگی و ریشه یابی و راهکار مقابله با آن کار گاه پایان یافت.

لازم به توضیح است سمیناری در رابطه با خودسوزی نداشتیم بلکه یک نشست برای مقدمه مباحث مربوط به خودکشی و خودسوزی در روز جهانی علیه خود سوزی یعنی نوزدهم شهریور در انجمن رونان از طرف فعالین مدنی و زنان برگزار شد . هفته بعد در همان روز گردهمایی

در ارتباط با همین پدیده شوم داشتیم. بنده و خانم‌ها چنور ساسانی، بیان رزاقی، چیمن جوانرودی و خانم خوشکارو صمدی و آقایان آزاد خونچه زر و کامیل همتی و سایر شرکت کنندگان هر کدام در زمینه خود سوزی و خودکشی علل و عوامل و راه کارهای پیشگیری و مقابله با آن موضوعات مختلفی را بیان کردیم و در پایان بروشوری از طرف صدای زنان میروان در میان شرکت کنندگان توزیع شد.

**اما همانطور که مطلع هستید بسیاری از خودکشی‌ها منشأ خشونت خانگی دارند و بازتابی از اعمال خشونت هستند یعنی در این سمینار به این موضوع پرداخته نشد؟**

چرا مباحثی در مورد تاریخچه خودکشی و دیدگاه‌های مختلف درباره خودکشی، انواع آن، ارائه آمار در مناطق مختلف و سپس بحث بر سر خود سوزی در کشورهای مختلف و در مناطق توسعه نیافته حاشیه‌ایی و از جمله شهر میروان مطرح شد و در ادامه ریشه‌یابی و پیشنهاد و راهکارهای عملی برای آن بررسی شد.

اکثر شرکت کنندگان معتقد بودند که خود سوزی فریادی برای رهایی و نوعی اعتراض نا آگاهانه از طرف قربانی است که خشونت و ظلم و تبعیض اعمال شده آنچنان عرصه را براوتنگ می‌کند که در اوج ناامیدی و بی‌پناهی تن به آتش می‌سپارد و نکته دیگر اینکه این عمل بیشتر برای جلب توجه، برانگیختن حس ترحم اطرافیان و نوعی انتقام جویی است و مرگ زنانه‌ای که به اجبار وادار به خودسوزی می‌شوند باید قتل محسوب شود.

**به نظر شما چرا قربانیان آتش را انتخاب می‌کنند و آیا آماری در این رابطه موجود است؟**

سروکار داشتن با مواد آتشنا، در دسترس بودن این مواد، تقلید، گسترده‌گی این شیوه خودکشی در منطقه، عملی برای تهدید و فشار بر اطرافیان و جلب توجه آنان هم از دلایلی است که آتش را انتخاب می‌کنند.

متأسفانه از آنجا نیکه تا به حال هیچ نهاد و مرکز دولتی بطور رسمی قدمی برای مقابله با این پدیده شوم برنداشته آمار بسیار پراکنده ناقص و تقریباً مخفی است و هر از گاهی فرد یا نهادی غیر رسمی به این کار مبادرت می‌ورزد. اما تا جایی که من تحقیق کرده‌ام بطور تقریبی در فاصله سال‌های 84 تا 90 بطور متوسط، هر 2 ماه، سه زن جان خود را در این رابطه در میروان از دست داده‌اند و بنا به گزارش آژانس کردیا هر ماه حداقل 5 زن در اثر خودسوزی در کردستان جان می‌سپارند. فقر، مردسالاری و اختلافات خانوادگی، چند همسری، طلاق و تهدید به محرومیت از دیدار فرزند، ازدواج اجباری، خون‌بس و بقایای رسم زن به زن، قسم طلاق، مشکلات روحی و روانی، برآورده نشدن آمل و آرزوها، شکست در روابط اجتماعی، محرومیت از تحصیل و گذر از جا معه سنتی به مدرنیته و تنوع آرا و عقاید در میان افراد مختلف و ناسازگاری این عقاید با یکدیگر و عدم آزادی‌های لازم از جمله عوامل موثر در خود سوزی به حساب می‌آیند.

واقعیت این است که بدون حساسیت و فعالیت نهادهای دولتی مقابله با این مشکل سخت است. به نظر من تشکیل ستاد و مرکز پیشگیری از خودسوزی و شناسایی زنان در معرض خطر و کمک رسانی به موقع بسیار مفید است و آموزش و اعتلاء فرهنگی زنان از مقطع دبستان گرفته تا دانشگاه و سایر مراکز آموزشی و رسانه‌ای در جهت خود باوری و رشد و شکوفایی و توانمندی آنان باید در اولویت باشد.

ایجاد فرصت‌های شغلی و آموزشی برابر با مردان، مبارزه با فرهنگ و رسوم و باورهای ارتجاعی و خرافی، تشکیل کمیته محلات برای ارتباط چهره به چهره و شناسایی زنان در معرض خطر و یاری رساننده به موقع آنان، رفع هر نوع تبعیض و از جمله تغییر قوانین زن ستیز و برابری حقوقی زنان و مردان، برگزاری ورک شاپ و سمینار، ایجاد کار و حرفه برای زنان خود سوخته و حمایت از آنان (چون اکثر آنان با تغییر شکل بعد از خودسوزی مورد تنفر و تحقیر جامعه قرار می‌گیرند و کمتر کسی آنان را می‌پذیرد)، ایجاد مراکز در مانی و ترمیمی برای بازگرداندن سلامت جسمی آنان، دستگیری و مجازات خشونت‌گرانی که باعث خودسوزی فرد شده‌اند همه و همه می‌تواند در کنترل خشونت خانگی و خودکشی موثر باشد.

همچنین ایجاد مرکز پزشکی و مشاوره‌ای رایگان و مراکز تفریحی و ورزشی و خانه‌های امن برای زنان پناهجو و حمایت کامل از آنان از جمله اقدامات موثر دولت برای پیشگیری و مبارزه علیه این معضل اجتماعی است.

در پایان چنانچه ممکن است درباره نقش خانه‌های امن در پیشگیری از خشونت‌های خانگی توضیح دهید. وجود خانه‌های امن از اصلی‌ترین و موثرترین وسیله ممکن در پیشگیری از اعمال هر نوع خشونت و از جمله کشتن و سوزاندن و سایر آسیب‌های وارده بر زنان بی‌پناه و خشونت دیده است. در جامعه‌ای که خشونت علیه زنان در آن نهادینه شده وجود مراکز امن تا زمانی که پناهجویان از حمایت و پوشش کامل نهاد‌های دولتی برخوردار شوند از ضروریات جامعه است.

به عنوان مثال فرشته نجاتی، پس از تهدید پدرش و از ترس جان، دوبار از خانه فرار کرد که یکبار آن از فرط بی‌پناهی به مرکز معلولین بهزیستی که مادر معلولش در آنجا بستری بود مراجعه کرد و ملتمسانه از آنان خواست پناهش دهند تا کشته نشود اما پذیرفته نشد چون معلول نبود. اگر خانه‌ای امن وجود داشت مسلماً "او و امثال او از حق زندگی بهره‌مند می‌شدند به هر حال ما به تجربه دریافتیم زمانیکه شهین نصرالاهی و فرشته نجاتی کشته شدند اعتراض همه گیر مردم و نقش فعالین مدنی در سازماندهی این دو حرکت بی‌ظنیر باعث شد که تا مدتها کمتر شاهد کشتن زنان باشیم ولی کم کم اعتراضات کمرنگ شد و دست مردان برای قتل زنان باز تر شد البته عدم وجود جنبش

قوی زنان و تشکل‌ها وان جی اوهای غیر دولتی، نارسا بودن قانون و نداشتن امکانات لازم از مشکلاتی است که نتوانیم آنطور که لازم است با این پدیده مقابله کنیم، ولی در حد توان تلاش مان را ادامه خواهیم داد. و در آخر می‌خواهم اشاره‌ای هم به این مسئله داشته باشم افرادی که در این زمینه شناخت و تخصص لازم را ندارند باید از تحلیل غیر کارشناسی قضیه خودداری کنند. اگر صحبت از قتل زنان کردستان می‌شود چند دلیل دارد اولاً "ما اهل این استان هستیم و با امکانات محدودی که داریم بیشتر اطباء عاتمان مربوط به این منطقه است و دوم به خاطر ازدیاد جمعیت و روحیه اعتراضی زنان ما و قبول نکردن شرایط برده وار چون گذشته ممکن است آمار این قتل‌ها بالا باشد. اما این مختص تنها کردستان نیست استان خوزستان بالاترین آمار را دارد و فرمانده نیروی انتظامی 45 درصد قتل‌ها در این استان را نا موسی اعلام کرده است به نظر من میزان آگاهی و فهم زنان و مردان این استان است که باعث مبارزه علیه خشونت و قتل زنان و پیشگیری وریشه کن کردن آن شده است و اخبار نیز مرتب منتشر می‌شود.

زنان این منطقه مثل گذشته حاضر به قبول تبعیض و خشونت نیستند؛ و به شرایط موجود اعتراض می‌کنند و از خط قرمزها عبور می‌کنند، و نمی‌خواهند تسلیم دگماتیسم و باورهای پوچ و سنت‌های سیاه شوند. آنان حق تعیین سرنوشت و ادامه زندگی دلخواهشان را می‌خواهند و به این دلیل هم کشته می‌شوند.

زنان و مردان معترض آگاه و کنشگر نیز معطلات را به چالش می‌کشند و روز بروز صدایشان رساتر می‌شود. لازم است مجریان و برنامه ریزان شبکه‌هایی مثل "من و تو" این واقعیت‌ها را بپذیرند و غیر کارشناسانه و عمداً یا سهواً مردم کردستان را با تحلیل نادرست زیر سوال نبرند. بلکه اینرا به خاطر بسپارند اگر در سایر جاها کردستان را الگو قرار می‌دادند وضع زنان در آن مناطق بهتر از امروزشان بود.

اگر من مقام دولتی بودم نبرد علیه جسم و جان زن را پایان می‌دادم و سیاست‌های اقتصادی اجتماعی فرهنگی را بر مبنای اصل برابری کامل زنان و مردان یعنی برابری کامل انسان‌های جامعه ام بدوراز هر نوع خشونت و آپارتاید قرار می‌دادم و فردایی روشن و زیبا را برای همگان به تصویر می‌کشیدم که همه یک دل و جان برای رسیدن به آن به تلاشی بی‌امان دست بزنند.

به امید فردایی عاری از خشونت